

قصد او چیست؟

دوستی یا ازدواج

www.zharik.ir

نویسنده: زهرا ستوده

شناسنامه کتاب

عنوان: قصد او چیست؟ دوستی یا ازدواج؟

نویسنده: زهرا ستوده

ویراستار: رضا فتحی کوهنجان

مرداد ۱۳۹۵

سایت: www.zharik.ir

قیمت: رایگان (غیر قابل فروش)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای سایت www.zharik.ir محفوظ می باشد و هر گونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد و از نظر شرعی و عرفی حرام و غیر مجاز می باشد.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۳.....	فصل اول: خودشناسی
۶.....	فصل دوم: دوستی یا آشنایی. آیا این دو تفاوتی دارد؟
۶.....	رابطه دوستی
۶.....	دیدگاه های گوناگون درباره روابط با جنس مخالف:
۷.....	آشنایی دختر و پسر
۸.....	ویژگی های رابطه دوستی و آشنایی:
۱۰.....	فصل سوم: از کجا بدانم هدف او دوستی است یا ازدواج
۱۰.....	راهکارها
۱۰.....	گام های لازم برای شناخت پسرها:
۱۰.....	گام اول
۱۱.....	گام دوم
۱۲.....	گام سوم
۱۴.....	گام چهارم
۱۷.....	فصل چهارم: ادامه رابطه آری یا خیر؟

مقدمه

سلام به همه شما دختران زیبای سرزمینم. شما دختران ایران زمین که قلبی سرشار از عشق دارید. به جرأت میتونم بگم هیچ قدرتی در دنیا بالاتر از قدرت عشق شما عزیزان وجود نداره. حتماً بارها و بارها این جمله رو شنیدید که پشت سر هر مرد موفق یک زن موفق وجود داره؟ بیاین یکم به این جمله بیشتر و عمیق تر فکر کنیم.

اون زن موفق چه ویژگی‌هایی داره که وجودش میتونه عالم رو متحول کنه. به جرات میشه گفت اون ویژگی عشقه عزیزانم. عشقی واقعی که هیچ انتهای در وجود زن نداره. بیاین زندگی دختران سرزمینمون رو از کودکی باهم مرور کنیم.

وقتی به دنیا او مدیم نه... بیاین برگردیم به قبل از اون. از قبلش از زمانی که بابامون فهمید ما داریم میایم و ایا انگار قشنگ‌ترین حس دنیا رو به بابا داده بودن. از همون موقع بود که تصمیمو گرفت و عزمشو جزم کرد تا بخاطر آسایش ما هر کاری بکنه. حتماً شما هم یاد تونه! بابا تون چند دفعه از تون پرسیده دختر بابا کیه؟ و شما هم با خوشحالی داد زدین ممممممنننن... میدونید چرا بخاطرمون همه کار می‌کرد؟ چون ما بهش عشق هدیه می‌دادیم و این بزرگ‌ترین هدیه‌ای هست که میشه به کسی داد. حتماً مردانی رو دیدین که برای به دست آوردن دختری که یار و شریک زندگیشون بشه دست به کارایی می‌زنن که شاید در حالت عادی اون کارا براشون حتی قابل تصور هم نبوده. میدونید چرا؟ چون در مقابل دارن عشق رو هدیه می‌گیرن و این هدیه بارزترین هدیه دنیاست که فقط و فقط و فقط یه زن میتونه اونو هدیه بده.

درباره عشق مادری هم که دیگه نیازی به هیچ توضیحی نیست. همه ما عاشق مامانمون بودیم و هستیم. حتی اگه نباشه. حتی اگه از پیشمون رفته باشه. همه ما مفهوم عشق رو از مادر یاد گرفتیم. از مادری که از ابتدایی که یه نطفه کوچک بودیم بهمون عشق ورزید و بخاطرمون سختی کشید تا ما، ما شدیم.

خب حالا این همه گفتیم و گفتیم و گفتیم تا به کجا برسیم؟

از عشق گفتیم تا دوباره یادمون بیاد که ما کی هستیم و چه قدرتی داریم؟ تا یادمون بیاد که خدای مهربان و عاشق از مهربانی و عشق خودش در وجود ما دمید تا شعله این عشق رو در دنیا بگسترانیم و آینه تمام نمای عشق الهی در جهان باشیم.

پس بیاین قدر خودمون رو بدونیم و به مردان سرزمینمون هم یاد بدیم که قدر عشقی که بهشون هدیه می‌دیم رو بدونن.

شاید به نظرتون این مقدمه عاشقانه با نام کتاب خیلی مرتبط نباشه. حق با شماست. نام کتاب می‌گه من می‌خوام به شما کمک کنم تا بتونید از اسیر شدن در روابط بیهوده دوری کنید و فرق بین عشق و هوس رو تشخیص بدید. کاملاً درسته. هدف این کتاب هوشیار کردن شماست؛ اما شما زمانی هوشیار میشید که ابتدا خودتون رو بشناسید و از قدرت خودتون باخبر بشید. زمانی که به قدرتی که دارید آگاهی و تسلط پیدا کردید می‌تونید به راحتی از خودتون احساستون و عشقتون مراقبت کنید. به همین سادگی.....

خداوند عاشق بی‌حکمت این عشق رو در وجود شما قرار نداده عزیزانم. این عشق شما ستون‌های محکم زندگی خودتون و دیگرانه و همون قدر که لطیف و زیباست هزار برابر محکم و سازنده هست. حتماً شنیدید که میگن بادآورده رو باد میبیره؛ و اینکه قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری ... حالا اگر ندانسته بیایم و عشق خودمون رو دست کم بگیریم و اونو به راحتی و خیلی بادآورده به دست کسی بدیم که گوهرشناس نیست فکر می‌کنید چه اتفاقی میفته؟

بله عزیزانم دقیقاً همینطوره ... اگه عشق شما به دست ناهلش بیفته هم جلا و زیباییش رو از دست می‌ده و هم قدرت سازندگیش رو؛ و اینگونست که می‌بینیم دختران عزیزمون باوجودی که می‌بینن و می‌دونن که طرف مقابلشون گوهرشناس نیست نمی‌تونن خودشون رو رها کنن و با ادامه دادن رابطه‌ای بیهوده هرروز از قدرت عشقی که دارن کاسته می‌شه تا جایی که اونقدر سیاهی میشینه روی این احساس که دیگه معنی عشق یادمون میره و از زمین و زمان متنفر میشیم. ما در این کتاب می‌خوایم سعی کنیم از این اتفاق جلوگیری کنیم.

شرایط ازدواج کردن برای هر دختری متفاوته. عده‌ای هستن که فرهنگ خانوادشون به گونه‌ای هست که بیشتر روابطشون خانوادگی هست در نتیجه در این خانواده‌ها بیشتر ازدواج‌ها خانوادگی و با آشنایی قبلی صورت میگیره؛ اما همه این‌گونه نیستند و عده زیادی هستن که به خاطر موقعیت‌های اجتماعی گوناگون مثل دانشگاه، محل کار و ... ممکنه که خودشون با شخصی آشنا و زمینه ازدواج رو فراهم کنند. در این کتاب ما قصد داریم به عزیزانی که خودشون با شخصی آشنا میشن کمک کنیم تا بتونن انتخاب درست‌تری داشته باشند.

این کتاب حاصل تجربیات شخصی من و مشاهده اتفاقات و تجربیاتی است که برای بسیاری از دختران این سرزمین پیش اومده و شما با خواندن این کتاب و انجام دستورالعمل‌های آن میتونید یک تجربه موفق در امر الهی ازدواج داشته باشید.

یکی از دختران سرزمین شما

زهره ستوده

بهار ۱۳۹۵

فصل اول: خودشناسی

چرا می‌خواهیم ازدواج کنیم؟ یا بهتره این جورى بگیم که چرا دوست داریم مورد توجه جنس مخالفمون باشیم؟ این فصل رو با خودشناسی آغاز می‌کنیم. سوال بالا رو با پاسخ به دو سوال زیر بررسی می‌کنیم:

- ۱- چرا ما به ازدواج و تشکیل خانواده علاقه‌مندیم
- ۲- کسانی که می‌گن ما قصد ازدواج نداریم راست می‌گن؟

در مقدمه کتاب از عشق گفتیم و اینکه در وجود ما یک عشق الهی قرار داده شده که هم لطیفه و هم سازنده. خب این عشق چه چیزی رو باید بسازه؟
بیاین و صادقانه به سوالات زیر باهم پاسخ بدیم

«تصور کنید کسی رو در کنار خودتون دارید که وقتی ناراحت میشین از ناراحتی شما ناراحت می شه، وقتی درد دارین اونم احساس درد می کنه، وقتی چیزی ازش می خواین با جون و دل تلاش می کنه براتون فراهم کنه، کسی که وقتی می خندین اونم می خنده و بهتون می‌گه که از هر بار خندیدن شما اون هزار بار شاد می شه. کسی که در روابط جنسی سعی می کنه جورى باشه که شما ازش راضی باشید. کسی که می خواد براتون مرد باشه و شما درکنارش احساس آرامش کنید».

خب نظرتون چیه؟

به نظرتون کسی هست که بگه چنین وضعیتی رو نمی‌خواد؟

البته بگذریم از کسانی که کلاً مقوله ازدواج رو تکذیب می‌کنن که در بخش بعدی اونا رو هم بررسی می‌کنیم. همه رازی که باید بدونید همینیه. فقط و فقط همین.

راز اینه که شما در وجودتون یه عشق و گرمای خاصی قرار داده شده که مردها اون عشق و گرما رو از وجود شما احساس می‌کنن و جذب اون میشن. درواقع خداوند در شما عشق و در مردها نیاز به عشق رو قرار داده و در مقابل در مردها قدرت ابراز علاقه و در شما نیاز به ابراز علاقه رو قرار داده. اینجاست که هرکس باید به قدرتی که داره و

نیازی که داره آگاه باشه. اینجاست که اگر هرکدوم از دو طرف وظیفه خودشون رو به درستی انجام بدن هر دو نفر به آرامشی می رسن که هیچ چیز در دنیا بالاتر از این آرامش وجود نداره.

به نظر من که خداوند رحمان تعادل رو به درستی برقرار کرده. همان گونه که در کلام خود می فرماید: شما را زوج آفریدیم تا در کنار هم به آرامش برسید.

خب این از سؤال اول که مشخص شد چرا خانمها به ازدواج و اینکه مردی به اونا ابراز علاقه کنه علاقه مند و مشتاق هستند.

و اما سؤال دوم:

در پاسخ به سؤال دوم میشه گفت که هر انسانی دارای یک مزاج خاص است که این مزاج شامل خصوصیات فیزیکی و روحیات شخص می شه. در قسمت روحیات مزاج می توان گفت بخشی از نیازها در مورد همه یکسان هست مانند میل به ازدواج کردن. پس در تمام زنان به طور ذاتی این گزینه قرار داده شده. به این مزاج، مزاج اولیه گفته می شه؛ اما مزاج انسان می تونه به مرور زمان و در اثر مسائل گوناگون دچار تغییرات موقت بشه. نمی دونم تا چه حد راجع به ضمیر ناخودآگاه خودتون اطلاع دارید (در کتاب [میخواهم ازدواج کنم](#) در این باره توضیح داده شده است) ولی این رو بدونید که ضمیر ناخودآگاه شما تابع فکر و عملکرد شما است. بذارید این قسمت رو با مثالی روشن تر کنیم:

حتماً کسانی رو دیدید که چندین بار با بدشانسی در مسائل گوناگون مواجه شده اند و مثلاً اطرافیان به اونها گفتند که چقدر آدم بدشانسی هستن. این فکر (بدشانسی بودن) کم کم به شخص القا می شه و باعث میشه که باور کنه که آدم بدشانسی هست. زمانی که این باور در وجود شخص ایجاد شد اون شخص واقعاً تبدیل به یک آدم بدشانس میشه. می پرسید چرا؟ واضحه. چون ضمیر ناخودآگاه شخص باور کرده که بدشانسه و به سمت بدشانسی پیش می ره.

مثال دیگری بزنییم. حتماً شنیدید که میگن پول رو پول میاد نکبت رو نکبت. به نظرتون این ضرب المثل درسته؟ به نظر من که درسته؛ اما چرا درسته؟ دقیقاً به خاطر وجود ضمیر ناخودآگاه در انسانها هست. بینید عزیزانم کسی که با ثروت بزرگ شده ضمیر ناخودآگاهش به این مسئله عادت کرده و در مسیری میره که پول هست و کسی که در فقر بزرگ شده ضمیر ناخودآگاهش در مسیر ثروت نیست که اونو به سمت ثروت ببره؛ و شما دیدید کسانی رو که در فقر بودن اما چون در آرزو و رؤیای ثروت بودن تونستن به اون آرزو برسن و ثروتمند بشن. چرا؟ چون موفق شدن ضمیر ناخودآگاهشون رو به ثروت عادت بدن. حالا اینکه چطوری ضمیر ناخودآگاهمون رو به کاری که می خوایم عادت بدیم بحثی مفصله که در کتاب [می خواهم ازدواج کنم](#) دربارش صحبت می کنیم.

با این دوتا مثال خواستم به اینجا برسم که بدونید کسانی که عملاً ازدواج کردن رو تکذیب می کنند و یا میگن علاقه ای به ازدواج کردن ندارن عملاً این گونه نیستن و با ایجاد این باور در ضمیر ناخودآگاه خودشون مزاج ذاتی خودشون رو دچار تغییرات موقت کردن؛ اما چطوری؟

دودسته از افراد دچار این تغییرات میشن:

- اون دسته از کسانی که میل به ازدواج کردن داشتن اما شکستی در این مسئله داشتن
- کسانی که فکر می کنن شاید نتونن ازدواج کنن یا خواستگار ندارن و برای جلوگیری از حرفای دیگران میان و این حرفا رو به خودشون و دیگران میزنن

این دودسته از دختران به جای تلاش برای اینکه در مسیر ازدواج قرار بگیرن با گفتن جمله‌های زیر به خودشون باعث شدن این جمله‌ها رو باور کنن و ضمیر ناخودآگاهشون در این مسیر قرار بگیره.

ازدواج کردن یعنی دردسر
ازدواج کردن یعنی سلب آرامش و آزادی
مرد خوب وجود نداره
مردا همشون سروته یه کرباسن
به هیچ مردی نمیشه اعتماد کرد
من علاقه‌ای ندارم ازدواج کنم
مجردی راحت‌ترم.

جملاتی مانند جملات بالا که با تکرار اونها، کم‌کم در ضمیر ناخودآگاه شخص جای میگیره و باعث میشه فکرش به همین سمت بره و هیچ‌وقت دیگه نتونه به مقوله ازدواج به راحتی فکر کنه چراکه باور کرده که مردا قابل اعتماد نیستن. در نتیجه به جای اینکه بتونه با استفاده از قدرت جذب خودش مرد ایده‌الش رو جذب کنه، یک نوع دافعه در وجود خودش ایجاد میکنه و اینگونست که شما دخترانی با شرایط مناسب رو میبینید که نمی تونن ازدواج کنن و یا ازدواج موفق ندارند.

پس اون دسته از دختران عزیزمون که میگن ازدواج کردن خوب نیست درواقع دارن خودشون رو گول میزنن. توصیه من به همه دوستای گلم که به هر دلیل فکر می کنن نمی تونن ازدواج کنن اینه که به جای اینکه برای آروم کردن خودشون، با تکرار این جملات ذهن خودشون رو خراب کنن، بیان و برای داشتن یک ازدواج خوب تلاش کنن. اگه قصد داشتید برای این کار تلاش کنید میتونید از کتاب [میخواهم ازدواج کنم](#) کمک بگیرید. (در صورتی که سوالی دارید می تونید در قسمت [از من بپرس](#) سایت بپرسید و پاسخ خود رو دریافت کنید)

خواهشم از همه شما عزیزانم اینه که از فکر و ضمیر ناخودآگاه خودتون غافل نشید و بسیار مواظبش باشید. چراکه ضمیر ناخودآگاهتون بسیار قدرتمند هست. تأکید می‌کنم دوستای گلم بسیار قدرتمند هست و میتونه شما رو به سمت بهترین‌ها و یا بدترین‌ها پیش ببره. فقط کافیه که شما بهش بفهمونید که کدوم رو می‌خواید. پس چرا با افکار منفی بیایم و خودمون رو به سمت بدترین ببریم وقتی که لیاقتمون بهترینه. خیلی راحت میتونیم بهترین باشیم و بهترین‌ها رو به دست بیاریم.

فصل دوم: دوستی یا آشنایی. آیا این دو تفاوتی دارد؟

رابطه دوستی:

تعریف رابطه دوستی دختر و پسر: به‌طور عام رابطه دوستی به رابطه‌ای گفته می‌شود که در آن دو جنس مخالف باهم ارتباط متقابل داشته باشند که این ارتباط در نوع ارتباط محدود دوستی، ارتباط عاشقانه و ارتباط جنسی مطرح است. معمولاً روابط بین دختر و پسر از ارتباط محدود دوستی شروع شده و اکثراً به ارتباط عاشقانه رسیده و متأسفانه در بسیاری از موارد به ارتباط جنسی نیز خواهد رسید.

بنابراین:

دوستی دختر و پسر یعنی: ارتباطی که بین دو جنس مخالف وجود دارد و در این ارتباط، محبت، صمیمیت، عشق و علاقه قلبی ویژه وجود دارد و از این رو، ارتباط دو کودک یا ارتباط تحصیلی یا ارتباط معلم با شاگرد و مانند آن که برای اهداف خاصی است، نمی‌تونه از مقوله دوستی دختر و پسر باشه.

دیدگاه‌های گوناگون درباره روابط با جنس مخالف:

سه دیدگاه درباره رابطه دختر و پسر وجود دارد:

۱. دیدگاه افراطی؛ در این نگرش، هرگونه ارتباطی با جنس مخالف، آزاد و بدون مانع است (رویکرد لیبرالیستی). فریود و پیروان وی مدعی هستند که اخلاق جنسی کهن، بر اساس محدودیت و ممنوعیت بوده و تمام مشکلات بشر به دلیل ممنوعیت‌ها، محرومیت‌ها، ترس‌ها و وحشت‌های ناشی از این ممنوعیت‌هاست که در ضمیر باطن بشر جایگزین شده. برتراند راسل نیز همین مطلب را اساس قرار داده و در کتاب «جهانی که من می‌شناسم»، می‌گوید: «اگر از انجام عملی [رفتار جنسی] زبانی متوجه دیگران نشود، دلیلی نداریم که ارتکاب آن را محکوم کنیم».
۲. دیدگاه تفریطی؛ بر پایه این رویکرد، هرگونه ارتباط و پیوند با جنس مخالف، مردود و مورد نکوهش است. این دیدگاه، نقطه مقابل دیدگاه افراطی است. راسل در جای دیگر می‌گوید: «پدران کلیسا از ازدواج به زشت‌ترین صورت یاد کرده‌اند. هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد؛ بنابراین، می‌گفتند: ازدواج که عمل پستی شمرده می‌شد، بایستی منهدم شود».

۳. دیدگاه اعتدالی؛ بر اساس این دیدگاه، نه آزادی مطلق و رها پذیرفته شده است و نه محدودیت و منع هرگونه رابطه؛ بلکه ارتباط بین دو جنس مخالف، در یک چهارچوب مشخص، تعریف شده است. ارتباط مجاز، ارتباطی است حداقلی و به‌دوراز هرگونه انگیزه شهوتی و عاطفی و رابطه‌ای است که در آن، نفس رابطه مقصود نباشد و نگاه دو جنس به هم نگاه انسانی باشد و نه جنسیتی. دیدگاه اسلام، ناظر به نگرش سوم، یعنی دیدگاه اعتدالی است.

آشنایی دختر و پسر

همان‌گونه در تعریف رابطه دوستی گفتیم در این‌گونه روابط بین دو نفر محبت صمیمیت و علاقه قلبی وجود دارد. در واقع آشنایی همان دوستی دختر و پسر محسوب می‌شود که در آن برنامه و هدفی برای ازدواج وجود داشته باشد. آشنایی مرحله پیش از خواستگاری است که برخلاف دوستی می‌تونه بسیار ضروری و مفید بوده و برای هر دو شخص در گرفتن تصمیم مناسب کمک شایانی باشد.

آیا تعریف دختر و پسر از آشنایی یکسان است؟

عده زیادی از دختران برای هم‌رنگی با دوستان و فاصله گرفتن از سنت‌ها، به درخواست‌های دوستی پسران پاسخ مثبت می‌دن و امیدوارن که این دوستی به ازدواج ختم بشه.

تفاوتی که بیشتر در دختران و پسران در اوایل جوانی به چشم می‌خورد در مورد هدف از ایجاد یک ارتباط با جنس مخالفه. دختران معمولاً تصور می‌کنن که برای یافتن همسر مناسب باید در یک رابطه احساسی با پسران وارد بشن؛ و این باور متأسفانه به دلیل رفتار خود دختران در برخورد با پسران ایجاد شده و کم‌کم در جامعه رواج پیدا کرده؛ بنابراین اکثر دختران پیشنهاد آشنایی پسران را به این امید که این رابطه سرانجامی داشته باشه می‌پذیرن. در واقع برای دختران بیشتر مفهوم آشنایی مدنظره تا دوستی؛ اما واقعیت اینه که در اکثر مواقع پسرانی طالب ارتباط درازمدت، پنهانی و احساسی و عاطفی با دختران هستن که شرایط ازدواج رو ندارن و مایلن این‌خلاف رو با یک رابطه دوستانه با یک یا چند دختر پر کنن و برای این کار از دادن قول ازدواج ابایی ندارن. برعکس دختران، در نظر آقا پسرهای گل در ابتدا که به دخترخانمی پیشنهاد آشنایی می‌دن رابطه دوستی مدنظره. البته ناگفته نماند که در هر دو حالت استثناهایی نیز وجود داره.

در این شرایط، طولانی شدن رابطه، عمق گرفتن آن و نزدیک شدن بسیار زیاد دختر و پسر به هم برای دختران معنای قطعی شدن ازدواج رو داره؛ مثلاً دخترخانمی فکرمی‌کنه حالا که ۶ سال با یک نفر دوست بوده، امکان نداره بتونه بدون او زندگی کنه و بی‌شک طرف مقابل هم دختر رو برای ازدواج در نظر داره. این در حالی‌ه که از نگاه

پسرها (اگر نگوییم همه، باید بگوییم اکثریت قریب به اتفاق آنها) طولانی شدن یک رابطه دوستی که خانواده‌ها از آن اطلاع ندارند، به معنی گذرا بودن آن رابطه است و به محض فراهم شدن شرایط ازدواجشان، یا به محض آنکه با فردی موجه‌تر و مناسب‌تر از شما روبه‌رو بشن، رابطه دوستی‌شان را خاتمه می‌دن.

ویژگی‌های رابطه دوستی و آشنایی:

زمانی که پسری که شما رو نمی‌شناسه به واسطه یک دیدار کوتاه یا یک آشنایی موقت به شما پیشنهاد می‌ده که باهم بیشتر آشنا بشین، چگونه می‌تونید بفهمید که هدف او از این آشنایی دوستیه یا ازدواج؟ در واقع هدف اصلی ما در این کتاب همینه که بتونیم راهکارهایی ارائه بدیم که به وسیله اونها بتونید تشخیص بدید که به هر پیشنهادی چه واکنشی نشون بدید.

اکثر دختران وقتی با این پیشنهاد مواجه میشن نمی‌تونن خیلی راحت جواب منفی بدن چراکه فکر می‌کنند شاید یه شانس خوب رو برای ازدواج از دست بدن و با توجه به اینکه شناختی از فرد مورد نظر ندارند برای گفتن کلمه خیر ترسی در وجودشون هست. به واسطه حجب و حیا و یا از ترس اینکه شخص مورد نظر فکر بدی بکنه هم نمی‌تونن مستقیماً از فرد سؤال کنن که شما هدف‌ت از این آشنایی چی هست؟ آیا می‌خوای با من دوست بشی یا قصد دیگری از شناخت من داری؟

بعضی از دختران هم که این رودرواسی رو کنار میذارن و سؤال خودشون رو مطرح می‌کنند شاید با جواب درست و صادقی از طرف مقابل روبرو نشن؛ مثلاً ممکنه در پاسخ به اینکه از پسر بپرسید هدف‌ت از این آشنایی دوستیه هست یا خیر ممکنه این پاسخ رو بشنوید که ما باید اول باهم آشنا بشیم بعد راجع به مسائل دیگه صحبت کنیم. در واقع با این پاسخ پسر قصد داره شما رو تشویق کنه که این رابطه را بپذیرید. اون با این پاسخ نه جواب منفی داده و نه جواب مثبت و دست خودش را برای اینکه در آینده بتونه به راحتی این رابطه را به هم بزنه کاملاً باز گذاشته و شما هم چون پاسخ دقیقی نشنیدید بازم از ترس اینکه ممکنه این آقا فرد مناسبی باشه و هنوزم نمی‌دونید قصدش چیه، نتونید به خواستش جواب منفی بدید و اینجاست که بسیاری از دختران عزیزمون برای فهمیدن جواب این سؤال مدت‌های زیادی رو در یک رابطه باقی می‌مونن و دست‌آخر با دست‌خالی و روحی ناآرام و ضربه خورده اون رابطه رو ترک می‌کنن.

توجه: ببینید دوستای گلم منظور من از اینکه آقا پسری به شما پیشنهاد آشنایی بده این نیست که شخصی در خیابان بخواد به شما شماره بده و یا با چشم و ابرو و حرکاتی که مناسب نیست به شما بفهمونه که توجهش را جلب کردید چنین کسانی قطعاً هدفشون دوستی و در نهایت رابطه جنسی هست و اصلاً موضوع صحبت مانیستند. این چنین روابطی را بدون هیچ‌گونه فکر و معطلی پاسخ منفی بدید و اصلاً فکر خودتون را درگیرش نکنید چون هیچ‌گونه سرانجامی با پسرهایی که چنین طرز فکری دارند وجود نداره. پسری که بشه بهش اطمینان کرد و این فکر رو دربارش کرد که پسر موجهی هست هیچ‌وقت در خیابان و با دادن یک کاغذ که روش شمارش نوشته شده از دختری درخواست آشنایی نمی‌کنه. پسری که فقط یه نگاه شما را دیده و شمارشو به شما می‌ده نمیتونه هدفی برای

آیندش داشته باشه. پس ما اصلاً درباره این‌گونه درخواست‌ها صحبت نمی‌کنیم و شدیداً به شما دوستای گلم تأکید می‌کنم که خیلی صریح به این درخواست‌ها پاسخ منفی بدید و فکرتون را درگیر نکنید. منظور ما از پیشنهاد آشنایی، درباره موقعیت‌هایی است که شخص موردنظر به نظر موجه بوده و شرایط ازدواج را به صورت ظاهری داره؛ مثلاً فردی را چندین بار در جاهای مختلف دیدید و صحبتی باهم داشتید. پسری در دانشگاه چندین بار شما را دیده، یا صاحب فروشگاه‌هایی که چندین بار به فروشگاه او رفته‌اید. در چنین موقعیت‌هایی که شخصی چندین بار شما را دیده و بعد پیشنهادی را مطرح می‌کند این احتمال که هدف ازدواج در پیشنهاد او وجود داشته باشد محتمل است؛ اما زمانی که کسی شما را یک‌بار در خیابان دیده و در همان یک‌بار هم پیشنهاد خود را مطرح کرده و شماره‌اش را به شما می‌دهد قاعدتاً چنین شخصی از ظاهر شما خوشش آمده و هدفی جز ارتباط دوستی و درنهایت رابطه جنسی نخواهد داشت. پس مواظب باشید و دقت کنید که چه پیشنهادهایی را با قاطعیت در همان ابتدا رد کنید و چه پیشنهادهایی را بیشتر بررسی کنید.

(در صورتی که سوالی دارید می‌تونید در قسمت [از من بپرس](#) سایت بپرسید و پاسخ خود رو دریافت کنید)

فصل سوم: از کجا بدانم هدف او دوستی است یا ازدواج

راهکارها

و اما راهکار این مسئله چیست؟

چه کار کنیم که با خیال راحت بتوانیم به یک رابطه ادامه بدیم و یا اینکه با قاطعیت اون رو تمام کنیم و از ابتدا خودمون رو درگیر رابطه‌ای که می‌دونیم نتیجه‌ای جزو عذاب و آسیب‌دیدگی روح لطیفمون نداره نکنیم؟ (یادآوری می‌کنم عزیزانم، گام‌هایی که اشاره می‌کنم برای دختران عزیزی که هم قصد ازدواج وهم شرایطش رو دارن بسیار ضروریه و روی صحبت ما در این کتاب با این عزیزان است که بتونن در مسیر یک ازدواج موفق گام بردارن)

گام های لازم برای شناخت پسرها:

گام اول

اولین اقدام برای ایجاد شناخت هرکسی صحبت کردن با اون شخص هست. وقتی شخصی پیشنهاد آشنایی به شما می‌ده باید مدتی رو با او صحبت کنید تا بتونید با خصوصیات کلی او آشنا بشید؛ اما این صحبت کردن آداب و روشی داره که بسیار مهمه دوستای گلم و اگه رعایت نکنید نمی‌تونید به هدفی که دارید که همون شناخته برسید.

و اما روش صحبت کردن اولیه با آقاپسری که به شما پیشنهاد آشنایی داده:

در قدم اول خیلی موقر با چهره‌ای کاملاً آرام و بدون هیچ‌گونه واکنش مثبت و یا منفی می‌تونید به او بگید که درباره پیشنهادش فکر می‌کنید و به او اطلاع می‌دید. فقط و فقط همین و هیچ‌گونه سؤال یا حرف دیگه ای رو پیش نکشید. اصلاً سعی نکنید که همین اول کار از او سؤالی بپرسید. چهرتون کاملاً آرام باشه به‌طوری‌که اون نتونه تشخیص بده که نظر شما نسبت به این پیشنهاد مثبت بوده یا منفی. این واکنش دوستای گلم شخص رو کنجکاوتر می‌کند که نظر شما رو بدون و درواقع اون خیلی بیشتر مشتاق و منتظر جواب شما هست.

گام دوم

با خودتون صادقانه فکر کنید و آنچه از این شخص میدونید رو بررسی کنید. درسته که هنوز شناختی از اون شخص ندارید اما این سؤال رو از خودتون بپرسید اگر این شخص اخلاقش همونی باشه که می‌خواید و به شما پیشنهاد ازدواج بده آیا این ظاهر شخص رو می‌پسندید و به او جواب مثبت می‌دید یا خیر؟ درواقع منظورم اینه که اون اطلاعاتی که ندارید رو کنار بزارید و فرض کنید که طرف نظر از چیزهایی که نمی‌دونید آیا همین چیزایی که از شما می‌پسندید؟ مثلاً قیافه شخص رو پسندیدید یا نه؟ به این فکر کنید که این شخص رو با این قیافه می‌تونید به‌عنوان همسرتون بپذیرید؟ میتونید به دیگران معرفی کنید و بافتخار بگید این شخص همسر منه؟ در مورد شغلش و همه چیزای دیگه ای که میدونید همین‌طوری فکر کنید و با خودتون به نتیجه برسید. ممکنه شغلش یا رشته تحصیلیش برای شما قابل قبول نباشه. در این صورت دوستای گلم بازم دو راه وجود داره:

اول: اگر هرکدام از آیت‌هایی که دارید بررسی می‌کنید براتون غیرقابل تحمل بود اصلاً به اون شخص زنگ نزنید و کلاً از ذهنتون پاکش کنید. چرا؟ دوستای گلم اینو همیشه به خاطر داشته باشید که هیچ‌وقت نمی‌تونید نه روحیات خودتون و نه طرف مقابلتون رو عوض کنید. پس چیزی که برای شما غیرقابل تحمله جای هیچ بحثی نداره. باید کنارش بزارید چون اگه الان به هر دلیلی بگید حالا درست میشه، عوض میشه، میتونم تحمل کنم درواقع دارید خودتون رو گول می‌زنید و یک‌عمر عذاب رو برای خودتون می‌خرید. پس از همین ابتدا اصلاً جلو نرید که بعداً توی دردسر بیفتید و بین عقل و احساستون گیر کنید. من دختران زیادی رو دیدم که اولش به این چیزا توجه نمی‌کنن و میرن جلو. خب به طبع هرکس یه چیزای خوب و یه چیزای بد داره وقتی در رابطه جلو میرن فقط و فقط چیزای خوبشو میبینن و چشمشون رو به روی چیزایی که نمیتونن تحمل کنن میبندن به امید اینکه این عشق و علاقه باعث میشه اون مشکل کمرنگ بشه. درحالی‌که کاملاً برعکسه و به‌مرور این عشق و علاقه‌ست که به خاطر چیزایی که براتون غیرقابل تحمل بوده و بهش توجه نکردید کمرنگ و کمرنگ‌تر میشه. پس خوب دقت کنید. اول خودتون رو بشناسید بدونید از چی بدتون میاد، نسبت به چه چیزایی بی‌تفاوت هستید (درواقع زیاد خوشتون نیاد ولی اذیتتون هم نمی‌کند) و از چه چیزهایی عمیقاً خوشتون میاد. (درباره خودشناسی و شناخت علایق در کتاب [می‌خواهم ازدواج کنم](#) توضحات کاملی ارائه شده است)

دوم: اگه موردی بود که زیاد خوشتون نیاد اما بدتون هم نیاد میتونید بیشتر بررسیش کنید و ببینید هستون بیشتر منفی هست یا مثبت. به‌طور مثال پسر یکه به شما پیشنهاد داده سوپرمارکت داره و شما چندین بار به فروشگاهش رفتید. ممکنه دوست داشته باشید همسرتون شغل دیگه ای داشته باشه یا مثلاً کارمند یا یه شغل باپرستیژ تری داشته باشه. خب باید با خودتون روراست باشید و ببیند این مسئله چقدر برای شما اهمیت داره ممکنه دخترخانمی با خودش این‌طور فکر کنه که خب اگر شغلش پردرآمد باشه که بتونه نیازهای زندگی رو تأمین کنه و همچنین خود فرد هم آدم موجهی باشه اشکالی نداره که سوپرمارکت داشته باشه. درواقع این دخترخانم وضعیت مالی و اخلاق شخص براش اهمیت بیشتری نسبت به پرستیژ شغلی داشته. ممکن هم هست دخترخانم دیگری اولین اولویتش برای ازدواج این باشه که حتماً همسرش شغل باپرستیژی داشته باشه.

پس اگر نسبت به یکی از خصوصیات که از شخص موردنظر میدونید نظر مساعدی نداشتید به اولویت‌بندی خودتون مراجعه کنید و ببیند اون خصوصیت در درجه چندم اهمیت برای شما هست اگر اولویت اول یا دوم نیست میتونید بقیه خصوصیات رو بررسی کنید و به گام بعدی برید.

لطفاً دوستانی که در همین مرحله متوجه میشن شخص موردنظر اولویت اول یا دومشون رو نداره همین جا از ادامه راه با این شخص منصرف بشن و مطمئن باشن که نباید ادامه بدن.

گام سوم

دوستان عزیز که با توجه به اطلاعاتی که از شخص موردنظر دارن فکر می‌کنن شاید گزینه مناسبی براشون باشه، در این گام باید به فرد موردنظر اطلاع بدن که قصد دارن بیشتر با این شخص آشنا بشن. این گام هم دوستای گلم روش‌های خاص خودش رو داره که بسیار مهمه که به‌قاعده انجام بشه.

اول: به فرد موردنظر بگید نیاز هست یک جلسه باهم صحبت کنید تا بتونید باهم بیشتر آشنا بشید تأکید می‌کنم در این مرحله باید شخص متوجه بشه که شما هنوز تصمیم نگرفتید که ارتباطی باهاش برقرار کنید بلکه تنها می‌خواید یک جلسه باهم صحبت کنید تا اطلاعات بیشتری از هم داشته باشید؛ و نباید لحن صحبت شما جووری باشه که فکر کنه شما تصمیم گرفتید ارتباطی باهم داشته باشید. با این کار دست خودتون رو برای مراحل بعدی باز می‌ذارید که اگر در جلسه اول به نتیجه منفی در مورد شخص رسیدید راحت‌تر بتونید از رابطه کنار بکشید.

دوم: در مورد مکان ملاقاتتون از قبل فکر کنید و یک مکان مناسب رو در نظر بگیرید و برای ملاقات پیشنهاد بدید. البته میتونید ابتدا پیشنهاد شخص مقابل رو بشنوید. این کار میتونه شما رو بیشتر با اون آشنا کنه. اینکه شخص چه مکانی رو برای ملاقات با شما انتخاب می‌کند میتونه نشانی از طرز فکر و یا علایق اون شخص باشه؛ اما درنهایت شما مکان خودتون رو پیشنهاد کنید و در همان مکان اونو ملاقات کنید. سعی کنید در مکان‌های بسته‌تر ملاقات کنید. این شخص باید بداند که شما برای ابرو و عزت خودتان احترام قائل هستید و تا زمانی که کسی را خوب نشناسید هرجایی با او ملاقات نخواهید کرد. به‌طور مثال قدم زن یا پیاده‌روی در پارک ایده زیاد جالبی نیست زیرا اگر شخص آشنایی شما را ببیند اولین فکری که خواهد کرد ارتباط شما با شخص موردنظر است و اگر بعدازاین ملاقات نخواستید با این شخص رابطه خود را ادامه دهید ممکن است با توجه به شرایط جامعه ما مشکلاتی برایتان پیش آید درنتیجه بهتر است در یک مکان رسمی و با یک تیپ کاملاً رسمی به ملاقات ایشان بروید. زمانی که کاملاً رسمی هستید اگر شخصی هم شما را ببیند خیلی بهتر می‌توانید اوضاع را کنترل کنید و این قرار را یک قرار کاری و چیزی مشابه قلمداد نمایید. ضمن اینکه شخص موردنظر هم متوجه میشه که شما دختر عاقلی هستید و به ابرو و اعتبار خودتون اهمیت می‌دید و برای خودتون ارزش قائل هستید درنتیجه اگر فکر ازدواج داشته باشد در مورد شما دید مثبت‌تری پیدا می‌کند و اگر هم قصد دوستی و اتلاف وقت را داشته باشد حساب کار خود را می‌کند چراکه متوجه می‌شود شما از جمله دخترهایی نیستید که هرجایی با او بروید و به هر کاری تن دهید. با این روش اگر پسر به دنبال

دوستی باشد، احتمال دارد از این قرار ملاقات خودداری کند چراکه می‌داند شما بدرد او نمی‌خورید. البته ممکن هم هست که به این ملاقات بیاید به امید اینکه در این ملاقات دل شما را بدست آورده و ادامه این دوستی رقم بخوره؛ و اگر هم که واقعاً قصدی برای آینده داشته باشد حتماً با شرایط شما موافقت می‌کند و اون رو تأیید می‌کند.

دوستای گلم به جرئت بهتون میگم که به هیچ کدوم از این مراحل شک نکنید و اگه واقعاً می‌خواید که در مسیر ازدواج قرار بگیرید و دچار روابط بیهوده و زودگذر نشید حتماً گام به گام پیش برید اصلاً تردید نکنید که ممکنه شخص از دستتون بپره. مطمئن باشید پسری که نظرش نسبت به شما مثبت باشه و قصد ازدواج هم داشته باشه به این راحتی‌ها از دستتون نمی‌ده و میدون رو خالی نمی‌کنه. پسر یکه با آگاهی پیش اومده باشه نه تنها با این روش‌ها از دست نمی‌ره بلکه مصمم‌تر هم میشه. پس اگر با این روش پیش رفتید و اون شخص سر قرارش با شما حاضر نشد قطعاً برنده شما بودید چون از یک رابطه دردرساز خودتون رو رها کردید و این لطف خداوند رحمان به شماست که تونستید از گنجینه عشق خودتون مراقبت کنید.

سوم: بعد از آنکه قرار ملاقات رو گذاشتید باید به سراغ خودتون بیاین و یه لیست مناسب از چیزایی که می‌خواید راجه این شخص بدونید تهیه کنید:
این لیست میتونه شامل موارد زیر باشه:

۱- شغل

۲- تحصیلات

۳- وضعیت مالی

۴- وضعیت خانوادگی (تعداد اعضای خانواده شغل پدر و مادر محل زندگی و ...)

اطلاعات فوق میتونه به شما کمک کنه که بفهمید اصلاً این شخص آمادگی ازدواج کردن رو داره یا خیر. چون شخصی که شغل مناسبی نداره قطعاً در حال حاضر نمیتونه برنامه‌ای برای ازدواج داشته باشه.

درباره سایر موارد این خودتون هستید که باید لیستتون رو تکمیل کنید. باید بدونید از چه چیزهایی خوشتون میاد و چه چیزهایی براتون اولویت داره؛ مثلاً میتونید با این پرسش که از چه نوع دختری خوشش میاد و یا اینکه چه چیزی در شما توجه اونو به خودش جلب کرده تا حدودی با روحیاتش و اولویت هاش آشنا بشید. سعی کنید چیزهایی که براتون مهمه رو به‌طور غیرمستقیم و با طرح سؤالات غیرمستقیم متوجه بشید. سعی کنید سؤالاتی که ازتون می‌پرسه رو پیش‌بینی کنید و بهترین جواب‌ها رو براش در نظر بگیرید. جواب‌هایی که واقعاً عقیده و احساسات شما رو به‌درستی بیان کنه.

نکته مهم: حتماً باید سعی کنید سؤالاتون رو غیر مستقیم بپرسید. دقیقاً اینگونه تصور کنید که می‌خواید روحیات یک شخص رو بشناسید. به نظرتون چطور باید این کارو بکنید؟ یکی از روشها اینه که یه شرایط مشابه رو براش تعریف کنید و نظرشو در این باره بپرسید؛ مثلاً وقتی می‌خواید بدونید چقدر اهل مطالعه هست میتونید یه قسمت کوچیک از یه کتاب رو براش تعریف کنید و نظرشو بپرسید و یا درمقابل ازش بخواین اگه وانم از کتاب خاصی خوشش میاد براتون تعریف کنه. این طوری خیلی غیر مستقیم درباره اینکه اون اهل مطالعه هست یا نه اطلاعات بدست میارید.

دومین نکته خیلی خیلی مهم:

ببینید دوستای گلم در کشور ما فرهنگ خاصی بین خانواده‌ها وجود داره که همه ما ازش اطلاع داریم. در فرهنگ ما ارتباط بین دختر و پسر مفهوم زیاد جالبی نداره. درواقع اگر شما در خیابان در کنار پسری دیده بشید قطعاً فکر دیگه ای درباره شما خواهد شد. درنتیجه باید مواظب باشید و بااحتیاط عمل کنید که هم بتونید شخص موردنظر رو بهتر بشناسید و هم از ابروی خودتون در اجتماع حفاظت کنید. پیشنهاد من به شما در مرحله اول اینه که اعضای خانواده در جریان پیشنهادی که به شما شده قرار بگیرند. در بسیاری از خانواده‌ها مادران با دخترانشون روابط خوبی دارن و درواقع به نوعی مادران سنگ صبور دخترانشون هستن. این رابطه واقعاً عالییه و اگر کسی از شما دوستان گلم هست که چنین رابطه عالی و خوبی با مادرش داره واقعاً بهش تبریک میگم. ولی خب همیشه این جور نیست و یه عده از دخترای گلمون با مادرشون یه مقداری رودرواسی دارن به خصوص در مورد این مسائل. در چنین مواقعی هم به‌رحال اگر خواهر یا کس دیگری در خانواده هست که میتونید باهاش راحت صحبت کنید و ازش مشورت بگیرید حتماً در جریان این پیشنهاد قرارش بدید. دوستای گلم این کار بهتون کمک می‌کنه که در جاهایی که به مشکل برمی‌خورید بتونید از نظر یک نفر دیگه که مورد اعتمادتون هست استفاده کنید و احتمال اشتباهتون کمتر میشه.

گام چهارم

خب رسیدیم به روز ملاقات. روزی که خیلی باید دقیق باشید. همونجوری که در مرحله قبل هم اشاره کردم سعی کنید با یه تیپ رسمی و شیک برید سر قرار. درواقع سعی کنید اون چیزی باشید که نشان‌دهنده شخصیت واقعی شماست. اگه از شیک‌پوشی خوشتون میاد که قطعاً خوشتون میاد. سعی کنید در شیک‌ترین حالت و درعین حال رسمی به این قرار برید. همه مردها از خانم‌های شیک‌پوش خوششون میاد. درواقع شما با لباس پوشیدنتون به شخص مقابل می‌گید که برای این قرار اهمیت قائل بودید و براتون مهمه. اینکه میگم رسمی ممکنه یکم برای شما ابهام ایجاد کنه که منظور من از تیپ رسمی چه تیپی هست؟ دوستای گلم این مورد هم به تعریف شما از تیپ رسمی برمی‌گرده. منظور من از تیپ رسمی تیپ و پوششی هست که شما برای ملاقاتی که براتون مهمه دارید. ممکنه شما با دوستای خودتون برای صرف نهار بیرون برید. ممکنه هم هست روزی با عده‌ای از همکاران یا همکلاسی‌های دانشگاه خودتون که باهاشون رودرواسی بیشتری دارید بیرون برید. قاعدتاً نحوه پوشش شما در این دو حالت متفاوت خواهد بود و روزی که با اشخاص رسمی‌تری بیرون رفتید که باهاشون رودرواسی داشتید در حالت رسمی‌تری بودید تا روزی که با دوستانتون بیرون رفته بودید. منظور من از تیپ رسمی دقیقاً همینیه و این برمی‌گرده به تعریف شما از رسمی بودن. حالا ممکنه عده‌ای از شما رسمی بودنتون مانع و مقنعه رسمی باشه، ممکنه عده‌ای تیپ مجلسی و عده‌ای تیپ اسپرت رو برای چنین ملاقاتی رسمی تلقی کنید. پس به تعریف خودتون از رسمی بودن رجوع کنید و به بهترین و رسمی‌ترین حالت خودتون به این ملاقات برید. از نحوه پوشش شخص مقابل هم می‌تونید همین برداشت رو داشته باشید. آقایون در چنین ملاقاتی به چند روش لباس می‌پوشن:

دسته‌ای که مانند شما کاملاً رسمی در ملاقات حاضر میشن

دسته‌ای دوست دارن صمیمیت بیشتری ایجاد کنن و ترجیح میدن به تیپ اسپرت داشته باشن اما تپشون موجه و آراسته باشه.

دسته سوم هم سعی می‌کنند اون چیزی که در حال حاضر مد هست رو کاملاً اجرا کنن و با آخرین مد برسن خدمت شما.

و شما با توجه به نحوه پوشش شخص می‌تونید به سبک و شخصیت اون پی ببرید. پسری که در این جلسه با شلوار جین و تی‌شرت حاضر میشه یعنی که در بیشتر اوقات این حالت رو داره و از این تیپ بیشتر خوشش میاد؛ یعنی در آینده اگر این شخص همسر شما باشه ممکنه در اکثر مراسم‌ها و بیرون رفتن‌ها با شما و دیگران تیپ اسپرت بپوشه. اینجاست که شما باید به خودتون رجوع کنید و ببینید این تیپ موردعلاقه شما هست و با سبک و علاقه شما سنخیت داره یا نه. اگر نداره می‌تونید از شخص غیرمستقیم سؤال کنید؛ که معمولاً در مهمانی‌های خانوادگی چه تیپی هست و آیا اکثر اوقات تیپ اسپرت داره یا خیر؟ (اینکه می‌گم سوال کنید به این دلیل هست که شاید به دلایلی در این جلسه چنین تیپی داشته و بهتره که زود قضاوت نکنیم) دوستای گلم با همین نکات به‌ظاهر ساده میتونید به بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی فرد موردنظر پی ببرید.

نکته مهم:

در این ملاقات به سؤالاتی که شخص از شما می‌پرسه بسیار دقت کنید. چراکه در بسیاری از موارد سؤالات شخص از شما نشان‌دهنده قصد و هدف او از این رابطه است و خیلی چیزها رو می‌تونید از سؤالاتی که از شما می‌پرسه متوجه بشید. کسی که در این جلسه از خانواده، خصوصیات اخلاقی شما، از هدف‌های شغلی و کاری شما برای آیندتون می‌پرسه مشخصه که قصد داره شما رو بشناسه و بررسی کنه که آیا برای زندگی آیندش میتونید مناسب باشید یا خیر؟ اما کسی که در این جلسه سعی می‌کند با شما صمیمیت زیادی ایجاد کنه و اصلاً براش مهم نیست که شما رو واقعاً بشناسه باید نسبت به هدفش شدیداً تردید کنید و بدونید که این شخص قصد داره دل شما رو برای ادامه این رابطه بدست بیاره و به احتمال بسیار زیادی هدف این شخص از این رابطه در حد دوستی هست و نه بیشتر. درواقع کسی که قصد دوستی داره سعی میکنه سریع صمیمی بشه و با تعریف و تمجید از شما دلتون رو بدست بیاره. این جور پسرا زیاد درباره خانواده خصوصیات اخلاقی شما سوال نمی‌پرسن.

در این جلسه سعی کنید از لحاظ بیان و صحبت کردن نه زیاد رسمی باشید که صحبت کردن زیاد سخت بشه و نه زیاد راحت و صمیمی. سعی کنید حد متعادلی رو در نحوه بیانتون حفظ کنید و حتی اگر شخص مقابل سعی در ایجاد جو صمیمی‌تر کرد شما به همان روش خودتون ادامه بدید.

و اما روش گفتگو در این جلسه:

روش گفتگو در این چنین جلساتی بیشتر میتونه به دو روش خود افشایی و یا سؤالی باشه. در روش خود افشایی شخص (معمولاً پسر) صحبت رو شروع می‌کنه و به معرفی خودش می‌پردازه و سپس نفر دوم خودش رو معرفی می‌کنه. تو این روش می‌تونید در ابتدای صحبت از شخص بخواید که خودش رو برای شما معرفی کنه. از نحوه معرفی کردن و صحبتاش می‌تونید تا حدودی به صورت کلی او نو بشناسید. اینکه در وهله اول چطور می‌خودش رو معرفی می‌کنه بیانگر چیزهایی هست که براش مهمه؛ مثلاً وقتی کسی در معرفی خودش ابتدا تحصیلاتش رو بیان می‌کنه و روی این موضوع تأکید می‌کنه خب مشخصه که اهل تحصیله و این موضوع براش یه افتخار هست و مهمه. یا اگر کسی در وهله اول در معرفی خودش اول شرایط مالیش رو بیان می‌کنه مشخصه که این بخش از سایر بخش های زندگی براش مهم‌تر بوده و بیشتر بهش تأکید داره (البته همیشه این‌گونه نیست و استثناهایی هم وجود داره ولی به صورت کلی میشه یه برداشت کلی از شخصیت فرد به این صورت به دست آورد). این مورد درباره شما هم صدق می‌کند و شما هم در زمان معرفی خودتون به نکاتی ابتدا اشاره می‌کنید که براتون مهم‌تر بوده و در زندگی به اونها افتخار می‌کنید؛ مثلاً وقتی با تلاش زیاد الان دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری هستید در ابتدای معرفی به احتمال زیاد اول به این موضوع اشاره می‌کنید چون براش زحمت کشیدید و بهش افتخار می‌کنید و براتون مهمه (می‌تونید یه ترفند کوچک به کار ببرید در این قسمت و اونم اینه که خودتون رو مختصرتر معرفی کنید و صبر کنید و ببیند بعد از معرفی شما چه قسمت‌هایی برای شخص مبهم می‌مونه و از شما سؤال می‌کنه. اگر شخص هدف دوستی داشته باشه احتمالاً سؤال زیادی از شما نمی‌پرسه و بیشتر سعی می‌کنه با صحبت‌های متفرقه صمیمیت ایجاد کنه و ارتباط راحت‌تری رو ایجاد کنه؛ مثلاً وقتی شما می‌گید که مهندسی کامپیوتر خوندید. ممکنه شخص به همین اطلاعات بسنده کنه و اگر براش مهم باشه ممکنه از شما بپرسه که در چه مقطعی این رشته رو خوندید)

سعی کنید تمام اطلاعاتی که در مرحله قبل در لیستتون داشتید رو در این جلسه بدست بیارید و تا حدودی با توجه به نکاتی که گفتیم از قصد شخص مقابل مطلع بشید و به شخص این پیام رو با رفتارتون برسونید که براتون مهمه که اونو بشناسید و به این راحتی‌ها رابطه صمیمی رو با او ایجاد نمی‌کنید.

در پایان جلسه معمولاً آقا پسرها منتظرن که قرار ملاقات بعدی رو با اونها تنظیم کنید. مطلقاً این کار رو نکنید و بهش بگید که نیاز دارید فکر کنید و برای جلسه بعدی اگر مایل بودید باهاش هماهنگ می‌کنید. اصلاً هیچ پاسخ مثبت یا منفی در رابطه با ادامه این ارتباط ندید.

(در صورتی که سوالی دارید می‌تونید در قسمت [از من بپرس](#) سایت بپرسید و پاسخ خود رو دریافت کنید).

فصل چهارم: ادامه رابطه آری یا خیر؟

خب دوستان الان وقتشه که بیاردیگه لیستتون رو چک کنید و پاسخ‌هایی که از شخص شنیدید رو بررسی کنید. در این مرحله دو تا اتفاق ممکنه بیفته:

اول اطلاعاتی درباره شخص موردنظر بدست میارید:

- ۱- این شخص با شما از زمین تا آسمون فرق می‌کنه
- ۲- این شخص ممکنه به نظرتون خوب اومده باشه اما ظاهراً شرایط ازدواج رو نداره
- ۳- این شخص رو پسندید و شرایط ازدواج رو هم داره

دوم اطلاعاتی درباره قصدش از آشنایی بدست میارید:

- ۱- کاملاً مشخصه که قصدش دوستی هست
- ۲- کاملاً مشخصه که از این آشنایی هدف شناخت برای ازدواج رو داره
- ۳- نتونستید به‌طور کامل متوجه بشید که هدف شخص چی هست

در دو حالت زیر رابطه رو به‌طور کامل فراموش کنید و اصلاً فکرتون رو درگیرش نکنید:

- ۱- این فرد با شما از زمین تا آسمون فرق می‌کند
- ۲- کاملاً مشخصه که قصدش دوستی هست

اصلاً شک نکنید و این جلسه رو فراموش کنید. ببینید دوستای گلم لطفاً در چنین شرایطی اشتباهاتی که بعضی از دختران انجام میدن رو شما انجام ندید. بعضی از این اشتباهات رو براتون میگم:

۱- اسیر زرق و برق‌های ظاهری شدن و احساسی برخورد کردن: شما میدانید که این شخص با شما و خانواده‌تون فرق داره اما ممکنه بالاخره یه جذابیت‌هایی دیده باشید که شما رو به خودش جذب کرده باشه. لطفاً احساسی نشید. این مرحله اصلاً موقع احساسی برخورد کردن نیست.

بذارید مثالی رو براتون بزنم: شخصی رو تصور کنید که بسیار خونگرم متعهد علاقه‌مند به خانواده اهل دانش و بسیار مهربان است. در مقابل فرد دیگری را تصور کنید که دیکتاتور بوده، منتقد و سرزنش‌گر است نمی‌تواند روابط صمیمانه‌ای برقرار کند. شما کدام شخص را می‌پسندید؟

خب مسلماً شما شخص اول را ترجیح می‌دهید. حالا فرض کنید که شخص اول یه شخص دیپلمه و کارگری ساده باشه و شخص دوم یک میلیونر کارخانه‌دار. حالا شما کدام‌یک را می‌پسندید؟

ممکنه جواب شما فرد اول فرد دوم و شاید هم هیچ‌کدام باشد. من در این مثال می‌خواستم منظور خودم رو از اینکه احساسی برخورد نکنید بیان کنم. اینکه شخص مقابل با ماشین بسیار شیکي اومد به ملاقات شما البته که مهمه اما اگر میدانید که از نظر شخصیتی با شما سنخیت نداره خب نداره دوست گلم و اینجا و در این حالت دیگه اصلاً مهم نیست که ماشینش چی بود مهم اینه که نمی‌تونن با این شخص ادامه بدی چراکه در آینده اولین چیزی که برات مهم میشه و اگه باهات سنخیت نداشته باشه دچار مشکلات بسیار زیادی میشی همین اخلاق و فرهنگ شخص هست که باید به شما نزدیک باشه.

۲- وقتی شخص قصد دوستی داره شما نمی‌تونید قصد اونو عوض کنید.

بسیاری از دختران با این تصور غلط به یک رابطه وارد میشن که شخص در این رابطه به اونها علاقه‌مند میشه و قصد ازدواج رو پیدا می‌کنه. درواقع فکر می‌کنن با ایجاد رابطه ممکنه علاقه و یا حتی تعهدی برای شخص ایجاد بشه که قصد ازدواج پیدا کنه درحالی‌که احتمال چنین موردی بسیار بسیار کمه و معمولاً پسرانی که در ابتدای یک رابطه حرفی از ازدواج نمی‌زنند و قصدشون دوستی هست معمولاً با همین قصد ادامه میدن و متعهد به ازدواج نخواهند شد. پس لطفاً با این امید اشتباه، خودتون رو اسیر روابط بیهوده که برای آینده شما نه تنها مفید نیست که بسیار مضر هم هست نکنید. پسر هرچقدر هم که خوب باشه وقتی قصدی برای ازدواج نداره شما هیچ جایی برای مانور دادن ندارید و همیشه برای اینکه حفظش کنید باید به خواسته هاش تن بدید چون اون نگران از دست دادن شما نیست چون میدونه یه روز این اتفاق میفته ولی شما نگران از دست دادنش هستید چون قصد دارید که نظر اونو نسبت به ازدواج تغییر بدید پس همیشه مجبورید که برای حفظش تلاش کنید و به خواسته هاش تن بدید.

حالت سوم: وقتی پسری به نظر شما خوبه اما هنوز شرایط ازدواج کردن رو نداره:

منظور از اینکه شرایط ازدواج رو نداره بیشتر به مسائل ظاهری هست مثلاً هنوز سربازه یا در حال تحصیله و مواردی مشابه. درواقع هنوز ثبات مالی نداره که بتونه زندگی رو اداره کنه. ببینید دوستای گلم اگه قرار باشه پسری هم سربازی رفته باشه هم کار مشخصی داشته باشه هم ماشین، خونه و پول کافی برای ازدواج داشته باشه باید با توجه به شرایط جامعه ما باید سنی بین ۳۰ تا ۳۵ سال رو داشته باشه. مگر اینکه شرایط مالی خانواده جوری بوده باشه که

این امکانات برایش فراهم شده باشد. پس همیشه که توقع داشته باشی که ابتدا تمام موارد فراهم باشد. وقتی پسری به نظرتون خوب بود ولی شرایط ازدواج رو هنوز نداره بزم باید به لیست و اولویت‌های خودتون مراجعه کنید و ببینید شرایط مالی در کدام درجه از اهمیت برای شما قرار داره. قطعاً برای همه شرایط مالی فرد مهمه اما برای یک نفر اولویت اول و برای دیگری اولویت سوم یا چهار ممکنه باشه. اگر شرایط مالی در اولویت سوم به بعد برای شما بود و اون شخص اولویت اول یا دوم شما رو داشت مثلاً اخلاقی تا حدودی مورد تأیید شما بود، میتونید طی جلسات دوم و سوم با این شخص بیشتر آشنا بشید. میتونید طی چند جلسه این شخص رو بیشتر بشناسید و بیشتر مطمئن بشید که واقعاً از نظر سایر موارد با شما همخوانی داره یا نه؛ و همچنین از شرایط و اوضاع مالی خانواده شخص مطلع بشید. چون کسانی هستند که شاید خودشون فعلاً شرایط رو نداشته باشند اما ممکنه خانواده بتونه حمایتش کنه و شرایط رو برایش ایجاد کنه. (ببینید دوستای گلم اینکه تعداد جلساتی که برای شناخت شخص میذارید چند جلسه باشه بستگی به شرایط و نظر خودتون هست. سه یا چهار جلسه معمولاً برای شناخت اولیه پیشنهاد میشه ولی بسته به شرایط ملاقات و صحبت‌هایی که در این جلسات میکنید میتونه کمتر یا مقداری بیشتر بشه؛ اما لطفاً دقت کنید که به بهانه شناخت تعداد این جلسات رو خیلی زیاد نکنید که درگیر احساسات بشید و نتونید درست در این باره تصمیم بگیرید. خیلی مهمه که اول عقل شما تاییدیه این رابطه رو بهتون بده و بعد احساساتون تأیید کنه - دوستای گلم حتماً سعی کنید در این جلسات شرایطی رو فراهم کنید که شخص مقابل هم تونسته باشه به خوبی شما رو بشناسه، راجع به عقاید، احساسات و خواسته هاتون خیلی راحت صحبت کنید و به شخص این اجازه رو بدید که اون هم بعد از این جلسات تونسته باشه درک خوبی از شما و اخلاقتون پیدا کرده باشه)

در گام بعدی اگر به این نتیجه رسیدید که شخص برای شما مناسب هست باید بعد از این چند جلسه بهش بگید که درباره این رابطه با مادر یا خواهرتون صحبت کردید و ببینید عکس‌العمل شخص نسبت به این مسئله چی هست. اگر دیدید او نسبت به این مسئله گارد گرفت و کار شما را اشتباه قلمداد کرد به او بگید که شما دختری نیستید که اهل روابط پنهانی باشید. با این کار تکلیفتون کاملاً مشخص خواهد شد. اگر او به فکر آینده باشه کار شما رو اشتباه قلمداد نمی‌کنه. ممکنه از بابت اینکه شرایط مناسبی نداره نگران بشه و اعلام کنه که نمی‌تونه با خانواده شما آشنا بشه ولی قاعدتاً شرایط شما رو هم درک میکنه. در این بین شما می‌تونید به او بگید که خانواده شما اخلاق و رفتار برایشون مهم‌تر است تا شرایط مالی و ممکنه بشه راه‌حل مناسبی پیدا کرد؛ اما اگر او از اینکه روابط شما علنی شود به شدت اجتناب کرد خب شما نیز باید در همین مرحله رابطه خود را قطع نمایید. تأکید می‌کنم باید این رابطه را قطع نمایید.

تنها یک استثنا وجود دارد: در این چنین مواردی ممکنه شخص اعلام کنه که فعلاً آمادگی نداره و درخواست کنه این رابطه تا زمانی که شرایط او مهیا بشه ادامه داشته باشه. در این زمان باید از او بخواین که برنامه خودش رو برای شما بازگو کنه و اعلام کنه که چه زمانی آمادگی پیدا می‌کنه. اگر واقعاً دیدید برنامه‌ای برای آینده خود داره ولی مشکلی سر راهش هست مثلاً این ترم درسش تمام میشه یا سربازیش را باید تمام کنه، میتونید به او بگید که حداقل باید با خانواده شما آشنا بشه و اگر پدر و مادر شما او را تأیید کنن شما برایش صبر خواهید میکنید و رابطه خودتون رو در حد بسیار محدود حفظ خواهید میکنید. دوستای گلم ممکنه به نظرتون بیاد که هیچ پسری اینو قبول نمی‌کنه و

دوست نداره که در رابطه خودش محدودیت داشته باشه و خانواده شخص مقابل اونو کنترل کنن. ولی باور کنید اگر باکسی که شرایط ازدواج نداره غیرازاین برخورد کنید نتیجه نمی‌گیرید. کاری که به‌اشتباه بسیاری از دختران ما می‌کنند اینه که به رابطشون با پسر ادامه میدن به امید اینکه شرایطش جور میشه و این زمان ممکنه آنقدر طولانی بشه که سایر شرایط و موقعیت‌ها رو از دست بدن. ضمن اینکه در این مدت به او وابستگی هم پیدا می‌کنن و در آخر بعدازاینکه باهاش به نتیجه نمی‌رسن سرخورده اون رابطه رو ترک می‌کنن. اگر شخص واقعاً قصدی داره اما شرایطش رو نداره قطعاً مسئولیت این کار رو می‌پذیره و تلاش خودش رو برای مهیاکردن شرایط انجام میدن نه اینکه به یه رابطه پنهانی ادامه بده تا در آینده ببینه چه اتفاقی میفته. شما نباید زمان خودتون رو بدون داشتن امیدی هدر بدید. تنها زمانی منتظر چنین شخصی بمونید که حاضر بشه با خانواده شما آشنا بشه. در این صورت مشخصه که این شخص برنامه‌ای برای آیندش با شما داره. در غیر این صورت اگه برنامه‌ای نداشته باشه و هدفش دوستی باشه حتی اگه بهتون قول ازدواج هم داده باشه حاضر نمیشه با خانواده شما آشنا بشه.

حالت چهارم:

زمانی که نتونستید متوجه بشید که هدف شخص دوستی هست یا ازدواج:

در این حالت هم بعد از جلسه سوم یا چهارم (و یا هر جلسه ای که خودتون میدونید به شناخت خوبی ازش رسیدید. پیشنهاد من جلسه چهارم هست) به او اعلام کنید درباره این رابطه با مادر یا خواهرتون صحبت کردید و عکس‌العمل شخص رو ببیند. در این مرحله به‌راحتی میتونید انگیزه شخص رو متوجه بشید و درصورتی که هدفی نداشته باشه میتونید در همین ابتدای کار از ادامه رابطه خودداری کنید و خودتون رو گرفتار یه رابطه بیهوده که نتیجه‌ای نداره نکنید. سعی کنید در این ۴ جلسه هم به‌اندازه کافی از خودتون به شخص مقابل اطلاعات داده باشید به حدی که اون هم تونسته باشه تا حدودی کلیات شما را به‌خوبی شناخته باشه و اگه قصد ادامه این راه رو داشت با شناخت بهتر و مطمئن‌تری تصمیم بگیره. درواقع هدف ما از این کار این هست که از روابط بیهوده اجتناب کنیم، نه اینکه شخص رو وادار به کاری کنیم. شما اطلاعات کافی رو به اون می‌دید و اطلاعاتی که برای تصمیم‌گیری لازم دارید رو از او می‌گیرید و سپس بحث اینکه خانواده رو در جریان گذاشتید مطرح می‌کنید.

حالت پنجم:

زمانی که احتمال زیادی می‌دید که شخص هدفی از این ارتباط داره:

در این حالت هم دوستان باید به او بگید که با مادرتون در این باره صحبت کردید. این شخص قاعداً نباید عکس‌العمل بدی نسبت به عملکرد شما داشته باشه چون قصد آخر او همین است. فقط ممکنه که به شما اعلام کنه که قصد داره بیشتر شما رو بشناسه. چون بعضی از پسرها فکر میکنند که اگر با خانواده شما آشنا شدن دیگه مجبورن تا آخرش بیان جلو و راه برگشت ندارن در نتیجه دوست دارن اول خودشون نسبت به اینکه شما براشون گزینه مناسبی هستید مطمئن بشن. در این حالت میتونید بهش بگید که شما هم قصد دارید اونو بیشتر بشناسید ولی ابتدا باید مطمئن بشید که خانوادتون از نظر ظاهری شما رو تأیید می‌کنن. چون اگر دختری برای ازدواج با مخالفت خانوادش روبرو بشه هرچقدر که مطمئن باشه اون شخص براش مناسبه و وقت زیادی رو برای شناخت طرف مقابلش صرف کرده باشه بازم به بن‌بست می‌خوره و کارش بسیار سخت میشه. پس بهتره اول یه تأییدیه از مادرتون که میتونه مشاور بسیار

خوبی برای شما باشه بگیری و با مشورت اون این رابطه رو ادامه بدید تا به امید خدا به سرانجام خوبی از این رابطه برسید. برای اینکه ترس چنین پسرهایی هم از بین بره میتونید بهش بگید که یه قرار ملاقات ساده در یک رستوران با مادرتون داشته باشه. اینجوری پسر هم نسبت به اینکه مجبوره تا آخر راه روییاد وتوی رودرواسی یا هرچیز دیگه ای قرار بگیره ترسش کمتر میشه. اگه پسر حاضر بشه واقعا دیداری رو با مادر شما داشته باشه خب قاعدتا قصدش شناخت هست.

نکات مهمی که لازمه مجدداً بهتون یادآوری کنم:

۱- عزیزانم در این مراحل شک نکنید. اصلاً نگران این نباشید که ممکنه اون شخص نظرش نسبت به شما عوض بشه و بذاره بره. اینو به خاطر داشته باشید کسی که شما رو بخواد هیچ چیز نمیتونه منصرفش کنه و کسی هم که نخواه ازدواج کنه با هیچ ترفند و رابطه و تعهدی نمیشه پاگیرش کرد. پس اول از همه به خودتون و عزت نفستون متعهد باشید و سر حرف خودتون بمونید. کسی که لیاقت شما رو داشته باشه باید این جرات رو داشته باشه که برای بدست آوردن شما تلاش کنه. کسی که چیزی رو به سختی بدست نیاره به آسونی هم از دستش میده. پس کاری کنید که آقا پسرای گل به ارزش واقعی شما پی ببرن. بسیاری از دختران عزیزمون فکر می کنن که با نزدیک شدن هرچه بیشتر و برآورده ساختن هرچه بیشتر نیازهای یک مرد میتونن به او برسن، اما درواقع کاملاً عکس این تصویر صادق و تنها راهی که برای واداشتن مردان به ازدواج وجود داره بیش از حد نزدیک نشدن و تن به خواسته های آنها ندادنه. باید بدونید که در بسیاری از موارد ازدواج برای زنان اهمیت بیشتری نسبت به مردان داره و درواقع میزان اهمیتی که مردان به ازدواج میدن به مراتب کمتر از زنان هست. ازدواج برای بسیاری از مردان حکم قیدوبند رو داره و کاهش آزادی. زمانی مردی حاضر می شه این قیدوبند را بپذیره که به ازای آن نیازهای حیاتی دیگه او برآورده بشه. حال اگه نیازهای حیاتی او برآورده بشه بدون اینکه نیاز به محدود کردن خود داشته باشه چرا باید خود را در قیدوبند بندازه؟ پس تنها راه برای اینکه قیدوبند ازدواج برای مردان آسان بشه احساسی است که به برآورده کردن نیازهای اساسی خوددارن مانند غریزه جنسی که برایشان بسیار مهمه یا سایر نیازها مانند محبت کردن و نیازهای عاطفی دیگری که دارن. پس اصلاً تصور نکنید که با در دسترس قرار گرفتن برای مردی می تونید اونو مقید به ازدواج کنید بلکه با این کار دقیقاً برخلاف خواسته خود عمل می کنید.

۲- دقت داشته باشید که مردان در این مراحل ممکنه از شما درخواست رابطه جنسی کنن. شدیداً از این گونه ارتباطات اجتناب کنید. البته دقت داشته باشید که درسته که پیشنهاد رابطه دوستی از جانب مردان صورت میگیره اما سرمنشأ این پیشنهاد خود شما دختران عزیز هستید. درواقع مردان به خوبی می دونن که به چه دختری می تونن پیشنهاد رابطه جنسی بدن و به چه دختری نمیتونن این پیشنهاد رو بدن درواقع اینکه آنها به شما پیشنهاد رابطه ای را بدهند یا خیر، کاملاً به رفتار و گفتار شما برمی گرده. اگر مطابق دستورالعمل های این کتاب پیش برید هیچ پسری به خودش این اجازه رو نمیده که در هیچ زمانی از این آشنایی بخواد همچین پیشنهادی به شما بده. دوستان گلم دقت کنید که پسران ممکنه برای راضی کردن شما بخوان از احساستون استفاده کنن. معمولاً پسرای که دختری را برای آینده خود انتخاب می کنند خیلی کم پیش میاد که بهش پیشنهاد رابطه جنسی بدن. ولی اگر چنین پیشنهادی بدن معمولاً سعی می کنند با کلماتی چون تو منو دوست نداری یا من فقط میخوام با تو باشم و یا اگه منو دوست

داری بهم ثابت کن شما رو راضی کنن. در جواب چنین کسانی میتونید به راحتی بگید که اگه تو منو به خاطر پاکیم انتخاب کردی و به پاک بودن من ایمان داری و منو برای خودت میخوای چرا من با ناپاکی خودم به تو ثابت کنم که دوست دارم. تو میتونی با خودداری خودت مردونگیتو به من ثابت کنی. پس تو چرا این کار رو بخاطر من نمی کنی؟ کاملاً منطقی پاسخ بدید و مطمئن باشید پسری که شما رو برای آیندش بخواد حتماً مردونگیشو بهتون ثابت می کند. پس مواظب احساس قشنگتون باشید دوستای گلم

۳- کسانی که در مراحل آشنایی سعی می کنند به جای شناخت منطقی شما به سراغ جنبه های احساسی بزن و در همان ابتدا شما رو اسیر احساسات کنن معمولاً قصد دوستی دارن. سعی کنید در این مراحل اصلاً احساسی برخورد نکنید. پسری که در جلسه دوم برای شما هدیه میخره و حرفای رمانتیک میزنه قصد وابسته کردن شما رو داره پس خوب دقت کنید و کاملاً رسمی برخورد کنید تا اسیر احساسات کاذب نشید.

۴- کسی که از علنی شدن رابطه تان هراس داره یا از آشنا شدن با خانواده شما طفره میره و هرروز برای ملاقات با خانواده شما بهانه ای میاره قصد داره شما را معلق در هوا نگه داره این شخص نمی گه که با خانواده شما آشنا نمی شه بلکه هرروز به بهانه ای از آن طفره میره. در صورتی که این روند به درازا کشید حتماً در تصمیم خود تجدیدنظر کنید و خود را معلق در هوا نگه ندارید.

۵- قبل از اینکه بخواید با کسی آشنا بشید حتماً ابتدا خودتون رو بشناسید. لیستی از مواردی که در ازدواج براتون مهمه تهیه کنید. ابتدا خودتون رو خوب بشناسید بعد به شناخت شخص مقابل بپردازید. این جور کاملاً میدونید که چه چیزی می خواد و باید چه جنبه هایی از شخص مقابل رو بیشتر بررسی کنید

۶- قرار نیست که با هرکس که آشنا شدید همان فرد موردنظر شما باشه و با او ازدواج کنید. پس در صورتی که می بینید با شما سنخیتی نداره در همان ابتدا رابطه رو تمام کنید و اصلاً نگران نباشید. فرد موردنظر شما نیز از راه خواهد رسید. پس تا آن زمان صبور باشید و عاقلانه رفتار کنید.

در انتها امیدوارم این کتاب راهکاری باشه که بتونه به شما دوستای عزیز و خواهران گلم کمک کنه تا بتونید از احساس قشنگ خودتون حفاظت کنید و از مسیر درست برای تشکیل خانواده خارج نشید. در کتاب [می خواهم ازدواج کنم](#) سعی کرده ام به شما برای اینکه در مسیر ازدواج صحیح قرار بگیرید کمک کنم. مطمئن باشید با عملکرد صحیح و درست شما پسران سرزمین ما نیز اصلاح می شوند و به امید خدا شاهد افزایش کانون گرم خانواده های ایرانی خواهیم بود.

(در صورتی که سوالی دارید می تونید در قسمت [از من بپرس](#) سایت بپرسید و پاسخ خود رو دریافت کنید)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای سایت www.zharik.ir محفوظ می باشد و هر گونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد و از نظر شرعی و عرفی حرام و غیر مجاز می باشد.